

پدر و پسر

نقدی بر ترجمه کتاب «سهراب و رستم؛ مضمون حماسی نبرد پدر و پسر، مطالعه‌ی خاستگاه و کاربرد آن در ادبیات و رسوم مردمی» اثر آنتونی پاتر

پژوهشگر انگلیسی، موری آنتونی پاتر Murray Anthony Potter، در سال ۱۸۹۹ کتابی با نام سهراب و رستم به رشته نگارش درآورده و در آن به بررسی تاریخچه خاستگاه مضمون حماسی نبرد میان پدر و پسر در ادبیات ممالک گوناگون پرداخته و چندین داستان از همین نمونه را ذکر نموده و برتری داستان رستم و سهراب فردوسی را بر همگنان گوشزد کرده است. کتاب مذکور به عنوان رساله دکتری این پژوهشگر، به تأیید دانشگاه هاروارد رسیده است (جهت اطلاع بیشتر، ر. ک به: مسلمی زاده ۱۳۸۵: ۱۱۳-۱۳۱). نگارنده نیز جهت رساله کارشناسی ارشد خود اقدام به ترجمه این اثر نمود؛ ولی اخیراً به ترجمه فارسی دیگری (کمالی ۱۳۸۴) از کتاب مورد بحث برخورد کرده و خواست تا از ترجمه مذکور بهره گیرد؛ ولی متأسفانه آن را از بسیاری جهات نامفهوم، ناقص و ناروان یافته بر آن شد تا ضمن معرفی بیشتر دکتر پاتر و آثار او، قسمت‌هایی از اصل کتاب سهراب و رستم به زبان انگلیسی را با ترجمه فارسی مترجم محترم مقایسه کرده، برای خوانندگان مقاله پیشین خود ارائه دهد تا مواردی را که نسبت به رعایت آنها اهمال و اغفال و گاهی اغماض روا داشته شده است، پیش چشم آورده، باعث شود تا ترجمه مذکور بازخوانی و مورد تجدید نظر قرار گیرد. آنچه از نظر خوانندگان بزرگوار می‌گذرد، تطبیق حدود سی صفحه از متن ترجمه با متن انگلیسی از اصل کتاب پاتر است.

دکتر پاتر پس از دریافت درجه دکتری از دانشگاه هاروارد، در همان دانشگاه به تدریس ادبیات و زبان‌های رمانس پرداخت و در طول حیات افتخار آفرین خود به تألیفات و تحقیقات ارزنده‌ای دست یازید که از جمله آنها می‌توان موارد زیر را یاد کرد:

۱. مقالات تخصصی درباره زبان رمانس.
۲. چهار مقاله در موضوعاتی از قبیل: پترارک (نویسنده، اومانیسست، منتقد، خواننده)، اسب‌ها به عنوان شخصیت‌های حماسی، شعر حماسی، تاریخ و نقد و ... چاپ انتشارات کمبریج، دانشگاه هاروارد، سال ۱۹۱۷.

محبوبه مسلمی زاده*

- * نبرد پدر و پسر در ادبیات جهان.
- * موری آنتونی پاتر.
- * ترجمه محمود کمالی.
- * چاپ اول، تهران: ایدون ۱۳۸۴.



اشاره:

بسیاری از پژوهندگان و دانشمندان فرنگی پژوهش‌های فراوانی درباره فرهنگ و ادبیات ایران به عمل آورده و پرده از ابهامات بسیاری فرو افکنده‌اند که به بررسی‌های افزون‌تر و عمیق‌تری در دوره‌های بعد انجامیده و فرهنگ و ادب ما را به جهانیان بیشتر از پیش نموده است. از جمله این تحقیقات، رساله «سهراب و رستم»، تألیف پروفیسور آنتونی پاتر و تطبیق آن با چندین داستان مشابه در سرتاسر دنیاست. به تازگی از این رساله ارزشمند ترجمه‌ای به فارسی صورت گرفته است که مسامحتی در آن به چشم می‌خورد. مقاله حاضر با دیدی انتقادی به ترجمه مذکور پرداخته، مواردی را که چندان با منظور مؤلف هماهنگی نداشته، بیرون کشیده و بررسی کرده است.

۳. کتابی به زبان اسپانیولی به نام *Cuentos Alegres* که با مساعدت Luis Taboada نوشته است.

۴. مقاله‌ای درباره ادبیات تطبیقی.

۵. رمان فرانسوی زبان *Ami et Amile*.

۶. رنسانس (تاریخ)، مجموعه مقالات او در هاروارد بین سال‌های ۱۹۰۹-۱۹۱۴.

۷. سهراب و رستم؛ مضمون حماسی نبرد پدر و پسر، مطالعه خاستگاه و کاربرد آن در ادبیات و رسوم مردمی، که به همت دیوید نات David Nutt در سال ۱۹۰۲ در لندن چاپ شد.

مورد اخیر، کتاب مورد بحث ماست که عنوان اصلی آن: *SOHRAB AND RUSTEM, THE EPIC THEME OF A COMBAT BETWEEN FATHER AND SON; A HISTORY OF ITS GENESIS AND USE IN LITERATURE AND POPULAR TRADITION* است و اولین بخش اصل کتاب نیز با همین نام آغاز شده است؛ ولی با کمال تعجب، این نام که معرف مضمون واقعی کتاب پروفیسور پاتر است، از فصل نخست ترجمه (ص ۱۱) حذف شده و فصل مذکور با عنوان «تجلی مضمون در ادبیات» و نام کتاب ترجمه هم «نبرد پدر و پسر در ادبیات جهان» ذکر شده است. شاید دور از انصاف باشد اگر گفته نشود که به نام و نشان کتاب به گونه‌ای ناقص، آن هم به ضرورت، در شناسنامه کتاب اشاره گردیده است؛ نامی که مقام حماسه ملی ایران را از آنچه هست، فراتر می‌برد و آن را در فراسوی مرزهای ایران بزرگ بیشتر از پیش معرفی می‌کند، به راحتی از جانب مترجم نادیده گرفته شده و کتابی که حاصل تلاش بی‌شائبه سالیان عمر مؤلف و توجه خاص او به ادبیات ملی ایران است، با سلیقه شخصی مترجم و با فروگذاشت جوانب امانت، نام گذاشته شده است.

تلفظ نام نویسنده، یعنی «موری آنتونی پاتر» هم مورد کم‌توجهی قرار گرفته؛ یعنی جایی به صورت «ماری آنتونی پاتر» و جایی دیگر «میوری آنتونی پاتر» ذکر شده است (نک به: کمالی: ۱۳۸۴: شناسنامه؛ ۷)؛ البته با این یادآوری که اشتباه‌های حروف‌نگاری هم به حساب مترجم گذاشته می‌شود.

ترتیب فصل‌بندی در کتاب دکتر پاتر بدین گونه است که پس از پیشگفتار، فهرست کاملی از محتویات هر فصل در صفحات vii تا xii آمده است، که در ترجمه اشاره‌ای بدان نشده و تنها به فهرستی خلاصه بسنده شده است.

پایان کتاب پاتر فهرستی از جنگ‌های بین خویشان و دوستان، با نمونه‌هایی از این دست داستان‌ها، ضمایم دیگر و کتابشناسی را در بر می‌گیرد، که مترجم با اقدام به پس و پیش کردن ابواب و فصول به دلیل نامعلومی، قسمتی از این ضمایم، یعنی «بیان نام»، را در پایان فصل اول گنجانده است.

در ذکر اعداد و ارقام نیز دقتی نشده است؛ مثلاً در صفحه ۱۴ از

ترجمه، سال ۱۶۱۸ به اشتباه ۱۸۱۶ آمده و نیز در همان صفحه، هنری ششم Henry vi را هنری پنجم ترجمه کرده است. در برگردان برخی از اصطلاحات یا ترکیبات، حسن سلیقه‌ای به کار نرفته است؛ مثلاً *by itself* به معنی «به خودی خود» یا «به تنهایی»، در جمله زیر «به وسیله خود» ترجمه شده است، که چندان جالب نمی‌نماید:

... It forms a distinct class by itself... (p.۲)

... (مضمون نبرد پدر و پسر)، به تنهایی گروه متمایزی را تشکیل می‌دهد. ... یک نوع متمایز و مشخص را به وسیله خود شکل می‌دهد... (ص ۱۱) سهو در ترجمه عبارات از نظر گرامر، ضمایر و مراجع آنها و ... بسامد بالایی دارد که البته نگارنده برای اثبات این ادعا، از جملات کتاب و معنی آنها و ترجمه مذکور همراه با ذکر شماره صفحات جهت تطبیق، نمونه‌هایی آورده است؛ با این توضیح که ابتدا متن انگلیسی با معنای جملات و سپس برگردان‌های مترجم آورده شده است. شماره‌هایی که بعد از ترجمه جمله آمده، آنچه به فارسی میان دو کمان است، به شماره صفحات کتاب مترجم محترم اشاره دارد و اعداد انگلیسی گویای شماره صفحات اصل کتاب دکتر پاتر می‌باشد.

اما مطلب عمده در رساله پاتر، داستان‌هایی است از ملیت‌های مختلف که شباهت‌هایی با داستان اساس، یعنی «رستم و سهراب»، دارد، تا درونمایه نبرد بین دو منسوب در میان این ملت‌ها بررسی گردد. در برخی از داستان‌ها می‌بینیم که مؤلف داستانی را به زبان همان ملت نقل نموده و برخی از اشعار و متون را به زبان اصلی ذکر کرده است؛ ولی در ترجمه به راحتی از آنها و گاهی از کل داستان صرف‌نظر شده و اشاره‌ای هم از آنها به میان نیامده است؛ چنین اغمازی، در زیرنویس‌ها و یادداشت‌های نویسنده نیز اعمال شده و مترجم از میان این هشتاد و چند داستان، به تعدادی از آنها بسنده کرده و ذکر مابقی را لازم ندانسته است. زبانی که پاتر کتاب خود را بدان نوشته، زبانی کهن است؛ لذا گاهی از قلم‌افتادگی‌هایی در متن ترجمه به چشم می‌خورد که به یک پاراگراف هم می‌رسد و شاید علت آن، همین زبان کهن و عدم آشنایی مترجم با زبان مذکور است (از جمله ص ۱۷ از ترجمه و p.۲۱۰)؛ در صورتی که جای آن داشت تا اگر نه ترجمه، دست‌کم اشاره‌ای بدان می‌شد و ما می‌بینیم که وی اگر توان ترجمه صحیح این اثر ارزشمند را نداشته، حتی شهامت اشاره‌ای هر چند مختصر بدان را نیز در خود نیافته است. در ترجمه، استعمال مترادفات، مکرر است و گاهی هم به موارد «ایضاح بعد از ابهام» بر می‌خوریم؛ مانند:

This may be called the Father and Son Combat proper. (p.۲)

— یعنی: شاید این «نبرد پدر و پسر» به معنای واقعی باشد.

— و به گفته مترجم: می‌توان آن را یک نبرد بجا و مناسب بین پدر و پسر خواند؛ چون باعث آشنایی این دو با هم می‌شود... (ص ۱۱).

و گاهی جاهایی هست که فراموش شده یا لزومی نبوده است که

واژه‌ای ترجمه شود؛ مثل:

Here the jester Triboulet plots to kill Francis the First ... (p.5)

- یعنی: اینجا تریبولت دلقک دسیسه می‌کند تا فرانسیس اول را بکشد...
 - که ترجمه شده: در اینجا جستر تریبولت نقشه می‌کشد تا فرانسیس را بکشد... (ص ۱۵).
 یا این نمونه:

A rich merchant comes to the house of an impoverished old couple ... (p.4)

- تاجر ثروتمندی به خانواده زوج پیر ورشکسته‌ای می‌آید ...
 - یک بازرگان ثروتمند به خانه زن و شوهر پیری می‌آید... (ص ۱۴).

و اما از نمونه‌های سهو در ترجمه همراه با اصل متن انگلیسی، مواردی به شرح زیر آمده است و قضاوت بیشتر بر عهده خوانندگان گذاشته می‌شود:

The variants offered range from the folktale to the episode in a very artificial romance (p.v).

- گونه‌های ارائه شده، گستره‌ای از داستان عامیانه تا واقعه ضمنی در یک داستان پهلوانی غیرواقعی را در بر می‌گیرد.
 - در یک رمان مصنوعی، پیشنهادهای گوناگون از قصه عامیانه به بخشی از رمان گسترده می‌شود (ص ۹).

پاتر در دنباله سطور پیشین می‌گوید:

Naturally it is upon the former that I have based my theories, and I hope that in the body of the work I have made clear my opinion as to their relative importance (p. v).

- طبیعتاً بنیاد نظریاتم را بر مورد نخست (داستان عامیانه) نهاده‌ام و امیدوارم که در متن اصلی اثر، نگرش خود را درباره اهمیت نسبی آنها روشن ساخته باشم.

- این از نظریه قبلی من که بنیان پایان‌نامه را بر اساس آن گذاشته‌ام، بالاتر است و امیدوارم که در بدنه کار، نظریه خود را به همان اندازه که وابستگی و ارتباط آنها مهم است، توضیح داده و روشن کرده باشم (ص ۹).
 و باز هم در ادامه مطلب:

...It was he (professor Royce of Harvard) who suggested that possibly the custom of Matriarchy might explain the theme. Should the theory I advance obtain some currency, he should be given full credit; should it fail, he is, of course by no means responsible. (p.vi)

- ... او پروفسور رویس از هاروارد بود که پیشنهاد کرد شاید رسم

مطلب عمده در رساله پاتر، داستان‌هایی است از ملیت‌های مختلف که شباهت‌هایی با داستان اساس، یعنی «رستم و سهراب»، دارد، تا درونمایه نبرد بین دو منسوب در میان این ملت‌ها بررسی گردد. در برخی از داستان‌ها می‌بینیم که مؤلف داستانی را به زبان همان ملت نقل نموده و برخی از اشعار و متون را به زبان اصلی ذکر کرده است؛ ولی در ترجمه به راحتی از آنها و گاهی از کل داستان صرف نظر شده و اشاره‌ای هم از آنها به میان نیامده است!

مادرسالاری بتواند مضمون را توضیح دهد. اگر نظریه‌ای که ارائه می‌دهم، اندکی رواج یابد، افتخارش یکسره از آن اوست و اگر رد شود، البته او به هیچ وجه مسئول نیست.
 - ... ایشان بودند که این پیشنهاد را دادند که رسم و سنت مادرسالاری، می‌تواند این مضمون را شرح و توضیح دهد. برای این نظریه می‌بایست مقداری پول فراهم می‌شد و اعتبارات کاملی پرداخت می‌شد؛ اگر چه رد می‌گشت. البته ایشان بدون هیچ دارایی و استطاعتی این مسئولیت را به عهده گرفتند (ص ۱۰).

Like all themes of enduring interest, it is by no means limited to popular literature. (p.3)

- همانند همه درونمایه‌هایی که اهمیت پایدار دارند، این (مضمون) به هیچ وجه به ادبیات مردمی محدود نمی‌شود.
 - همانند تمام مضمون‌های جاودان و پایدار، این مضمون نیز بدون هیچ قصد و نیی، به ادبیات مردمی محدود شده است (ص ۱۳).

During the course of the long and equal fight, Tancred, like the great epic heroes, ask in vain, the name of his opponent only to learn it when she dies at his feet. (p.4-5)

- طی جریان نبرد طولانی و برابر، تنکرد، همچون پهلوانان حماسی، سرسری و بیهوده نام هم‌اورد خود را می‌پرسد، تنها برای اینکه وقتی دختر در پای او می‌میرد، نامش را بداند.
 - در طی مبارزه‌ای طولانی و برابر، تنسرد، مثل قهرمانان بزرگ حماسی، بیهوده و بی‌نتیجه نام حریف خود را می‌پرسد، تنها به خاطر اینکه بداند حریف چه موقع به وسیله او کشته خواهد شد (ص ۱۴).

آن گونه که از عبارت برمی‌آید، پهلوان از اینکه هم‌اوردش به زودی

first tell the name, receiving a reciprocation of courtesy from the other... (p.۲۱۱)

- نام یک سرخپوست امریکایی، امر مقدّسی است که نباید توسط صاحب نام، بدون هیچ ملاحظه‌ای برملا شود. ممکن است کسی نام جنگجوی قبیله‌ای را بپرسد و پرسش با یک امتناع صریح یا گریز دیپلماتیک، که یعنی نمی‌فهمد از او چه می‌خواهند، روبه‌رو شود. وقتی که یک دوست درخواست می‌کند، جنگجوی مورد سؤال، آنچه را که از او خواسته می‌شود، زمزمه می‌کند و دوست می‌تواند اول نام خود را بگوید، در حالی که از سوی دیگر احترام متقابلی دریافت می‌دارد.

- نام یک سرخپوست امریکایی چیز مقدّسی است که به هیچ وجه آن را فاش نمی‌کند. شخصی ممکن است از یک شوالیه، از هر قبیله‌ای که باشد، بخواهد تا نامش را بگوید. این درخواست، یا مستقیماً یا با طفره رفتن و به طور غیر مستقیم رد می‌شود. هنگامی که یک دوست نزدیک می‌شود، جنگجو آنچه را که می‌خواهد، به آرامی بر زبان می‌آورد و اول آن دوست نام را می‌گوید و دیگران نیز با ادب و مهربانی با او برخورد می‌کنند (ص ۱۸).

اما در داستان رستم و سهراب:

Rustem rose one morning, prepared for the chase, put his belt and filled his quiver with arrows... (p.۸).

زبانی که پاتر کتاب خود را بدان نوشته، زبانی کهن است؛ لذا گاهی از قلم‌افتادگی‌هایی در متن ترجمه به چشم می‌خورد که به یک پاراگراف هم می‌رسد و شاید علت آن، همین زبان کهن و عدم آشنایی مترجم با زبان مذکور است، در صورتی که جای آن داشت تا اگر نه ترجمه، دست‌کم اشاره‌ای بدان می‌شد و ما می‌بینیم که وی اگر توان ترجمه صحیح این اثر ارزشمند را نداشته، حتی شهادت اشاره‌ای هرچند مختصر بدان را نیز در خود نیافته است

زبان کهن
نویسنده
قلم‌افزایی
مترجم
حتی‌که

کشته می‌شود، مطمئن است و اگر نام او را می‌پرسد، آن هم سرسری، به این معنی نیست که برای او نام حریف مهم است؛ بلکه نامی به فهرست مغلوبین او افزوده می‌شود و ارتباطی به زمان کشته شدن او ندارد.

در آغاز کتاب، در قسمت فهرست مطالب فصل اول، به نمونه‌هایی از درونمایه نبرد بین دو تن از یک خانواده اشاره شده است که از نمایشنامه‌های ویکتور هوگو و از میان آنها، لوکرس بورژیا (لوکرزیا بورژیا) سخن به میان آمده است. لوکرزیا بورژیا در سال ۱۴۸۰ در رم زاده شد. پدرش، دوک الکساندر ششم بود که پس از چند سال مبارزه مذهبی، در سال ۱۴۹۲ به مقام پاپ رسید. لوکرزیا در آن زمان ملکه رم بود و در مدت چهل سال عمر خود، چند بار شوهر کرد، که به جز شوهر آخری، همه را با زهر مسموم نمود. هنگامی که کمی پیرتر شد، توفان جنایت در وی آرام گرفت و عاشق یک جوان اسپانیولی شد و با وی ازدواج کرد. برخی این زن زیبا را «ملکه زهر» لقب داده‌اند. زندگی او تا کنون نظر بسیاری از نویسندگان را جلب کرده و آثار مهمی را به وجود آورده است؛ از جمله کتاب‌هایی از ویکتور هوگو و میشل زواگو درباره این زن به جا مانده است (دانشنامه بریتانیکا).

اما دکتر پاتر از این داستان در کتاب خود این گونه سخن یاد کرده است:

In Lucrezia Borgia the last scene is the struggle between Lucrezia and her son, who wishes to avenge the death of his five comrades. It is only when he has struck her with his dagger that she tells him who he has killed (p.۵).

- در داستان لوکرز بورژیا، آخرین صحنه، کشمکش بین لوکرزیا و پسرش است که می‌خواهد مرگ پنج رفیقش را انتقام بگیرد. فقط زمانی که او (پسر) با خنجرش به زن (لوکرزیا) ضربه می‌زند، زن به پسر می‌گوید که چه کسی را کشته است.

- در آخرین صحنه لوسرزی بورگیا، یک مبارزه بین لوسرزی و پسرش درمی‌گیرد که می‌خواهد انتقام مرگ پنج یار خود را بگیرد. تنها زمانی که پسر با دشنه به پدر ضربه زده است، به او می‌گوید چه کسی را کشته است (ص ۱۵).

The name of an American Indian is a sacred thing not to be divulged by the owner himself without due consideration. One may ask a warrior of any tribe to give his name, and the question will be met with a point-blank refusal, or the more diplomatic evasion that he can not understand what is wanted of him. The moment a friend approaches, the warrior interrogated will whisper what is wanted, and the friend can



– ز موید بر این گونه برداشت یاد که رستم یکی روز از بامداد غمی بد، دلش ساز نخچیر کرد کمر بست و ترکش پر از تیر کرد

شنیدم که رستم دستان، روزی از بامداد اندوهگین بود؛ آهنگ شکار کرد و کمر بدان بست، ترکش پر از تیر کرد و رفت تا به مرز توران رسید... (بنداری ۱۳۸۰: ۹۹-۹۸).

– یک روز صبح رستم از خواب بر می‌خیزد، دوال خویش را می‌بندد و تیردان خود را از تیر پر می‌کند و به سوی مرز توران، جایی نزدیک شهر سمنگان راه می‌افتد (ص ۲۱).

که معنی جمله «دوال خویش را می‌بندد» بر نگارنده معلوم نشد. آنچه مسلم است، در شاهنامه واژه «کمر» مکرراً به معنی کمر بند، و «میان» به معنی کمر به کار رفته و اصطلاح «کمر بر میان بستن» کنایه از «آماده کاری شدن و دست به کار شدن» و نمونه‌های آن در شعر پارسی بسیار است؛ از جمله:

– بیامد به تخت پدر بر نشست

به شاهی کمر بر میان بر بیست

میان بسته دارید و بیدار بید

همه در پناه جهاندار بید (رستگار فسایی ۱۳۷۴: ۷۷)

– جبریل رسید طوق در دست

کز بهر تو آسمان کمر بست (نظامی ۱۳۶۳: ۱۲)

– به شام و صبح اندر خدمت شاه

– کمر می‌بست چون خورشید و چون ماه (نظامی ۱۳۶۳: ۷۸)

– آسمان‌ها در شکست من کمرها بسته‌اند

چون نگه دارم من از نه آسیا یک دانه را؟ (صائب تبریزی ۱۳۳۳: ۲۰)

«کمر بر میان» به صورت صفت مرکب، به معنی آماده کار شده و در برهان قاطع ذیل ترکیب «کمر بستن» آمده است: کنایه از اختیار کردن و قوی دل شدن در کارها و اهتمام نمودن در آن کار، و کنایه از مقابل و برابر شدن در مقابله و جنگ هم هست.

و بسیاری از این دست که از حوصله این مقال بیرون است.

...with the exception of few cases the son seeks father. Usually the latter is a mortal, but in a few instances, grouped together, he is a supernatural being (p.۱۲).

– ...به استثنای چند مورد، پسر در جست‌وجوی پدر است. معمولاً دومی (پدر) از میرایان است؛ اما در نمونه‌های کمی که با هم گروه‌بندی شده‌اند، او (پدر) موجودی فرا طبیعی است.

– ...در بعضی موارد استثنائی، پسر در جست‌وجوی پدر برمی‌آید. معمولاً مورد اخیر، مرگ‌آور است؛ اما در موارد اندکی که با یکدیگر یک گروه را تشکیل می‌دهند، پسر یک شخصیت فوق‌العاده و ماوراءطبیعی است (ص ۲۵).

مواردی که به آنها اشاره شد، مشتق بود از نمونه خروار از ترجمه کتاب ارزشمندی که دانشمندی از فراسو به تحقیق درباره هشتاد و اند داستان با مضمون مشترک پرداخته و شاهکار حماسی ملی پارسی، یعنی داستان رستم و سهراب، نیز نه تنها از جمله آنها، بلکه مهم‌ترین و اساسی‌ترینشان به شمار آمده و اهمیت داستان به اندازه‌ای است که پروفیسور پاتر از میان همه آنها، کتابش را بدان نامیده است؛ تنها نسخه چاپی موجود از کتاب مذکور در ایران، در کتابخانه استاد شادروان مجتبی مینوی (تهران) است و جای آن دارد که این گونه نسخ کمیاب به بهترین وجه ممکن تحقیق، بررسی و ترجمه شوند. ترجمه‌هایی این گونه، نه تنها آثار گرانبغلی چون کتاب دکتر آنتونی پاتر را قدر نمی‌نهند، بلکه آنها را از صدر به زیر می‌کشاند. پس برماست که به چنین تحقیقاتی که رابطه مستقیم با فرهنگ و ادبیات ما دارند و در شناساندن هرچه بیشتر آن یاریمان می‌دهند، ارج نهاده، داد آنها را به تمامی بدهیم و آنها را این گونه مثله نکنیم. اشاره بیشتر، نه تنها در این جایگاه نمی‌گنجد، بلکه بار خاطر خوانندگان و موجب تضییع وقت آن گرامیان و بیش رنجور کردن خود و دیگران خواهد بود.

پی‌نوشت

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی.

۱. زبان‌هایی که از لاتین ریشه گرفته‌اند؛ مانند فرانسه، ایتالیایی، اسپانیایی، رومانی.

کتابنامه

– بنداری، فتح بن علی، ۱۳۸۰، شاهنامه فردوسی. ترجمه عبدالحمید آیتی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

– رستگار فسایی، منصور، ۱۳۷۴، حماسه رستم و سهراب. تهران: جامی.

– سجادی، ضیاءالدین، ۱۳۷۴، فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی شروانی. تهران: زوآر.

– عقیقی، رحیم، ۱۳۷۶، فرهنگنامه شعری. تهران: سروش.

– صائب تبریزی، ۱۳۳۳، کلیات صائب تبریزی. مقدمه و شرح حال به قلم استاد امیری فیروز کوهی. تهران: خیام.

– فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نامه فرهنگستان، دوره هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۴.

– کمالی، محمود، ۱۳۸۴، نبرد پدر و پسر در ادبیات جهان. تهران: ایدون.

– تصحیح وحید دستگردی. تهران: علمی.

– نظامی گنجوی، جمال‌الدین ابوحمد الیاس، ۱۳۶۳، لیلی و مجنون. به تصحیح وحید دستگردی. تهران: علمی.

Potter, Murray Anthony, ۱۹۰۲. *Sohrab and*

Rustem, London: David Nutt.-

WWW.Britanicaonline.com-